رويكردهاي اجتماع‌مدار در برنامه‌هاي كاهش فقر

حبيب جباري*

همچنان‌كه تعريف و تفسير فقر طي زمان در حال تغيير بوده و از «فقر درآمدي» صرف به «فقر قابليتي» و «محروميت از توانايي هاي اساسي» تحول يافته است، سياست ها و روش هاي مقابله با آن نيز در گذر زمان متحول شده اند به طوري كه از راهبردهاي «نشت به پايين» نظريات كلاسيك رشد اقتصادي به مداخلات وسيع و متمركز دولت ها رسيده و در اثر ناكارآمدي اين سياست ها، در «حكمراني خوب» و «مقتدر شدن» (Empowerment) فقرا تبلور يافته و منشاء اثر شده اند. به‌طوري كه مشاركت فقرا و **درگيري** مستقيم اجتماعات فقير در برنامه هاي كاهش فقر به اركان جدي سياست‌ها و راهبردها در اين زمينه تبديل گشته اند.

مقاله فعلي با مرور سه ابتكار «رويكرد نيازهاي اساسي توسعه»، «بسيج اجتماعي و اعتبارات خرد» و «صندوق‌هاي اجتماعي» در

* دانشجوي دكتر اي جامعه شناسي توسعه دانشگاه تهران ، كارشناس سازمان مديريت و برنامه‌ريزي كشور و مدرس دانشگاه <yasharomid@yahoo.com>

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-02]

متون و تجربيات بين‌المللي و با پيگيري اين ابتكارات در سطح كشوري، به مقايسه تحليلي سه ابتكار مي‌پردازد و در پايان آينده اين ابتكارات را در چگونگي پاسخگويي هر يك از آن‌ها به چالش هاي عمدتاً تكرارپذيري و پايداري مي‌داند.

اين مقاله از رو شه‌اي تحليل ثانوي و تحليل مقايسه اي و به طور ضمني از تحليل راهبردي بهره گرفته است.

كليدواژه‌ها: اجتماع‌مدار، بسيج اجتماعي، حكمراني خوب، صندوق‌هاي اجتماعي، فقر، مقتدرسازي

تاريخ دريافت مقاله: 84/3/10 تاريخ پذيرش مقاله: 84/8/5

مقدمه

اجتماع‌مداري (Community-Based) رويكردي است كه در سال‌هاي اخير نوعاً همه حوزه ها و زمينه هاي توسعه را درنورديده است به نحوي كه امروزه كمتر حوزه و برنامه توسع ه‌اي را مي‌توان يافت كه اين پسوند را با خود همراه نداشته باشد؛ رفاه اجتماع‌مدار، مشاركت اجتماع‌مدار، مديريت اجتماع مدار، توريسم اجتماع‌مدار و حتي پليس اجتماع‌مدار يا پليس محله از آن جمله اند. در اين ميان برنامه هاي فقرزدايي نيز از اين رويكرد بي نصيب نم اده اند به طوري كه امروزه برنامه هاي كاهش فقر اجتماع مدار در كنار ساير سطوح و رويكردهاي كاهش فقر و در مواردي

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-02]

حتي بيشتر از آن‌ها مورد توجه قرار گرفته‌اند.
در ايران نيز اين رويكرد به ويژه از دهه 1370 مورد توجه سازمان هاي دولتي و غيردولتي قرار گرفته و برخي سازمان هاي دولتي كه عمدتاً در حوزه‌هاي اجتماعي فعال بوده اند به‌طور مستقل يا با همكاري سازمان هاي غيردولتي كشوري و يا با همكاري مشترك سازمان‌ها و كارگزاري‌هاي بين‌المللي بين دولتي شروع به تجربه و گسترش ابتكارات اجتماع‌مدار كرده‌اند.
مقاله فعلي در صدد پيگيري رويكردهاي اجتماع‌مدار در برنامه هاي كاهش فقر در ايران مي‌باشد و مشخصاً سه ابتكار كه به نوعي با حمايت سازمان‌هاي بين المللي (در اصل كارگزاري هاي سازمان ملل متحد) در كشور تجربه شده و يا در حال تجربه هستند را به بحث و بررسي مي‌گذارد. ابتكارات مورد نظر به قرار ذيل مي‌باشند:
الف) رويكرد نيازهاي اساسي توسعه (BDN: Basic Development Needs) مشترك با WHO
ب) رويكرد فقرزدايي از طريق بسيج اجتماعي و اعتبارات خرد، مشترك با UNDP
ج) رويكرد صندوق توسعه محلي (LDF: Local Development Fund Project) مشترك با WB
البته يادآور مي‌شود كه توجه به سه ابتكار فوق به اين معني نيست كه تجربيات مطرح كشوري در

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-02]

حوزه برنامه‌هاي كاهش فقر اجتماع‌مدار تنها به سه مورد مذكور محدود مي شود بلكه در اين خصوص از گذشته‌هاي دور به ويژه در سال‌هاي اخير سازمان‌هاي دولتي و غيردولتي ابتكارات متعددي را تجربه كرده‌اند كه پرداختن به همه آن‌ها پژوهش‌هاي مستقل و مجال ديگري را مي‌طلبد.

در اين مقاله ابتدا مفهوم و ضرورت رويكرد اجتماع‌مدار در برنامه هاي كاهش فقر مورد بحث قرار مي‌گيرند. پس از آن سه رويكرد و ابت كار مورد اشاره در پيوند با خاستگاه بين المللي‌شان ابتدا به لحاظ نظري و روش شناختي مطرح و معرفي مي‌شوند و سپس به فعاليت ها و تجربيات كشوري در اين زمينه مي پردازد، قسمت بعدي مقاله، تحليل مقايسه‌اي سه رويكرد با تا كيد بر تع ميم‌پذيري و پايداري آن‌هاست، پايان بخش مقاله طرح مسايل ، تنگناها و ريسك‌هاي سه ابتكار خواهد بود.

1) ضرورت رويكرد اجتماع‌مدار به كاهش فقر

در بادي امر با نگرش كلاسيك به توسعه، فقر، پديده‌اي عارضي و موقتي تصور مي شود كه با رشد اقتصادي و «نشت» فواید اين رشد به سطوح پايين جامعه از بين مي رود و آنچه در اين ميان نقش‌آفرين است متغيرهاي كلان اقتصادي و سرمايه‌گذاري‌هاي بزرگي است كه در جامع ه، اشتغال و توليد انبوه ايجاد مي‌كند، از اين رو

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-02]

برنامه هاي كوچك مقياس و كسب و كار خرد در اين ميان، محلي از اعراب ندارند و اجتماع نيز به‌عنوان يكي از ابعاد كوچك مقياس ا ز اهميت چنداني برخوردار نخواهد بود . لذا با چنين رويكردي اولين سوالي كه مطرح مي شود اين است كه رويكرد اجتماع‌مدار به كاهش فقر چه ضرورتي دارد؟ پاسخ به اين سوال نيازمند تغيير نگرش به توسعه است، نگرشي كه فقر نيز در متن آن معني پيدا كند و نه در حاشيه و پسامد آن.

«توسعه را مي توان به مثابه فرايند پايدار تقويت آزادي، رفاه و حيثيت همه افراد در يك جامعه عادلانه و امن دانست » بر اين اساس ، كاهش فقر (به‌عنوان يك اقدام تخفيفي و نه پيشگيرانه) بخش جدانشدني فرايند توسعه محسوب مي‌شود. در اين ميان هدف كليدي كار توسعه تقويت آز ادي انتخاب زنان و مردان فقير با حمايت از «مقتدر شدن» آنان است كه اين هدف صرفاً بواسطه مشاركت و حضور فعال افراد فقير در فرايندهاي تغيير سياسي، اجتماعي و اقتصادي و تضمين اين‌كه آنان منافع‌شان را به دست مي‌آورند امكان‌پذير است.» (Sida, 2002:14)

در ثاني در صو رتي كه به توسعه از منظر پايداري بنگريم، جلوگيري از توليد فقر انساني و اجتماعي انبوه ناشي از اجراي سياست هاي اقتصادي و توسعه اي، يكي از اهداف و اولويت هاي اصلي

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-02]

پایداري توسعه خواهد بود و جامعه‌اي که با فقر و نابرابري فزاینده، مشارکت کمتر و ریسك های اجتماعي بیشتري مواجه باشد از نظر اجتماعي جامعه پایداري نخواهد بود از این رو براي پایداري اجتماعي ضروري است که عدالت اجتماعي، مشارکت مردم در اداره امور و اجتماع بالفصل‌شان، امنیت انساني و یکپارچگي اجتماعي در دستور کار توسعه قرار گیرد.

بر این اساس براي پایداري اجتماعي ، رویکرد توسعه‌اي مطلوب است که نه تنها سیاست ها و سازوکارهاي جدي براي کاهش فقر تعریف کرده و به اجرا بگذارد بلکه سیاست هاي پیشگیرانه اي نیز براي جلوگیري از تولید و توزیع فقر داشته باشد. علاوه بر این به فقرا نه به عنوان خدمات گیر و نفع بر برنامه‌هاي فقرزدایي بلکه به مثابه عاملان و پایش‌گران این برنامه ها نیز نگاه کند و فرصت چنین نقشي را براي آنان ایجاد نماید. با چنین منظري فقر و کاهش آن در متن دستور کار توسعه قرار گرفته و جزء تفکیك‌ناپذیر آن تلقي خواهد شد و با تبدیل فقرا از «مزاحمان توسعه» و در خوشبینانه‌ترین حالت «نفع‌بران توسعه» به عاملان و کارگزاران آن، برنامه هاي کاهش فقر، ذینفع ها و شرکاي جدیدي پیدا مي‌کنند که خود اساساً در تعریف و تحقق این برنامه ها (به‌ویژه در سطح محلي)

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-02]

مسئوليت ويژه اي خواهند داشت.

از اين منظر فقرزدايي نيازمند رويكردي وسيع به فقر، و تمايز سه بعد مرتبط و به هم پيوسته آن است:

الف) فقر درآمد و دارايي ـ معيشت ماندگار يا پايدار، ب) فقر دسترسي به خدمات اساسي و ،ج) فقر مشاركت و قدرت.

كاهش فقر در يك بعد (همانند فقر درآمدي) اغلب مستلزم كاهش فقر در ابعاد ديگر است . براي كاهش پايدار فقر، فقرا بايستي مقتدر شوند تا از فقر خودشان بكاهند يعني اينكه آن‌ها بايد ابزارهايي در اختيار داشته باشند تا خودشان به كاهش فقر بپردازند مع الوصف دولت ها مسئوليت هاي عمده اي دارند يعني شرايطي را توسعه مي دهند كه براي فقرا كاهش فقر را آسان سازد.(ESCAP, March 2003)

از اين ديدگاه است كه رويكرد اجتماع‌مدار به كاهش فقر اهميت مي‌يابد زيرا اجتماع، مهم ترين و پايدارترين محيط بلافصلي است كه مشاركت فقرا را متبلور مي‌سازد. افزون بر اين ناكارآمدي و شكست برنامه‌هاي متمركز و سياست‌هاي اجتماعي از بالا به پايين دولتي براي كاهش فقر كه از دهه 1970 ميلادي بيشتر نمايان شد و همين طور ناكارآمدي برنامه‌هاي بازار محور در اين خصوص، نگرش اجتماع‌مدار به توسعه و كاهش فقر را رونق بخشيده

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-02]

است. به‌طوري كه در دهه 1980 (ميلادي) با غلبه ديدگاه نئوليبرالي به توسعه و متعاقب آن مطرح شدن رويكرد «مقتدر شدن»، مقوله‌هاي جامعه مدني و «حكمراني خوب» (Good Governance) به مباحث جدي توسعه‌اي در دهه 1990 و سال هاي اخير تبديل شده‌اند. همه اين رويكردها و گفتمان هاي توسعه‌اي به تقويت نقش و جايگاه اجتماع در توسعه و به تبع آن در برنامه‌هاي فقرزدايي انجاميده است. در اين ميان گسترش ابعاد جهاني شدن و آميخته شدن زمان و مكان در اين فرايند، رويكرد جديدي را بر مبناي «جهاني محلي» (Glocalized) شكل داده است كه همزمان هم مي توان محلي بود و هم نمود جهاني داشت. البته اين فرايند با جهاني‌سازي از بالا كه ادغام فرهنگ‌ها و يكسان‌سازي جهاني را به‌عنوان يك پروژه دنبال مي‌كند در تعارض است كه براي مقابله با اين پروژه نيز به ويژه در كشورهاي در حال توسعه، مشاركت اجتماعات در اداره امور خود، تقويت فرهنگ هاي محلي و توسعه محلي به امري حياتي تبديل شده است.

2) چارچوب نظري و روش‌شناختي

همان‌گونه كه اشاره شد در اين قسمت سه ابتكار «نيازهاي اساسي جامعه»، «فقرزدايي از طريق بسيج اجتماعي و اعتبارات خرد» و «صندوق توسعه محلي» به لحاظ نظري و روش شناختي به ترتيب مورد بررسي

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-02]

قرار مي‌گيرند.

2ـ1) رويكرد نيازهاي اساسي توسعه

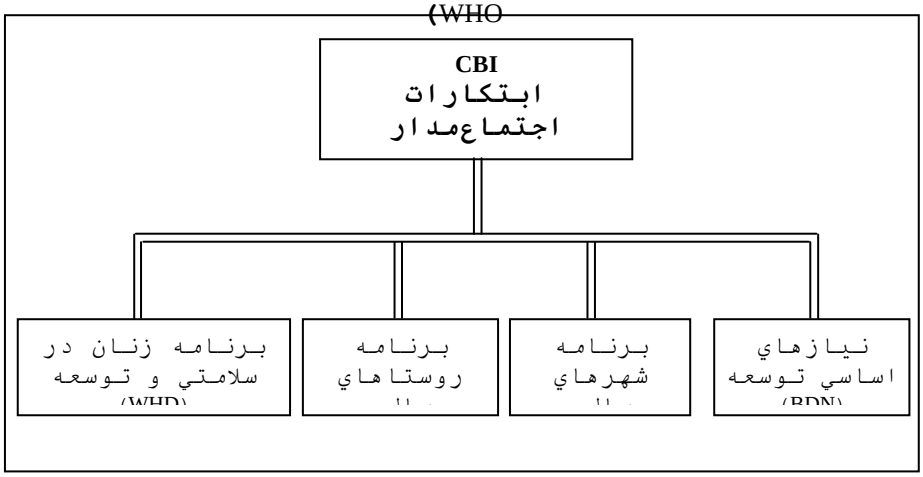
اين رويكرد يكي از چهار ابتكار اجتماع‌مداري است كه سازمان جهاني بهداشت (WHO) براي پيشبرد و بهبود سلامتي در سطح جهاني از دهه 1980 به بعد در پيش گرفته و كشورهاي عضو را براي اتخاذ و توسعه چنين رويكردهايي مورد تشويق و حمايت قرار داده است. سه رويكرد ديگر، «برنامه شهر سالم» برنامه روستاهاي سالم و برنامه زنان در توسعه هستند. هدف مشترك اين رويكردهاي تحقيقاتي و توسعه‌اي ايجاد خط مشي‌هاي سياسي، فيزيكي و اقتصادي پشتيبان و برنامه‌ريزي براي همه قسمت‌هاي اجتماعاتي است كه بر محيط زيست و كيفيت زندگي اثر مثبت به جاي مي گذارند. در مقايسه چهار ابتكار بايد اشاره كرد كه برنامه روستاهاي سالم (HVP) و رويكرد نيازهاي اساس توسعه (BDN) اساساً در مناطق روستايي اجرا مي شوند و در اين مناطق، اهداف، ساختارها و فرايندهاي مشتركي را تعقيب مي‌كنند. برنامه شهر سالم (HCP) در محلات شهري به‌ويژه در حومه هاي محروم (و سكونتگاه هاي غيررسمي) براي بهبود شرايط زيست‌محيطي و گنجاندن سلامتي در دستور كار توسعه محلي فعال است و برنامه زنان در توسعه (WHD) از طريق ساختارهاي موجود برنامه هاي اجتماع مدار كه سازمان ها و

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-02]

كميته‌هاي زنان را مي‌سازند، اجرا مي‌شود.

هدف اصلي ابتكارات اجتماع مدار از نظر سازمان جهاني ب هداشت، تسهيل يكپارچگي سياست ها و برنامه‌هاي سلامتي در دستور كار توسعه راهبردي ملي است. اين ابتكارات به بهبود سلامتي و شرايط زيست‌محيطي، كاهش فقر و نيل به كيفيت زندگي بهتر از طريق دستيابي به اهداف توسعه هزاره (MDG: Millennium Development Goals) كمك مي‌كنند.

نمودار 1: ابتكارات اجتماع‌مدار (مورد تشويق و حمايت WHO)



رويكرد نيازهاي اساسي توسعه كه به اختصار به BDN مشهور است، فرايندي است كه افراد و اجتماعات را برا دستيابي به كيفيت بهتر زندگي كمك مي‌كند. در اين فرايند هدف سلامتي نسبت به

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-02]

سايـر اهداف ارجحيت دارد.

بـه تـعبيـر سازمـان جهـاني بـهداشت (WHO) راهبرد نـيازهاي اساسي تـوسعه، تـوسعه اجتمـاعي اقـتصادي يـكپـارچه اي است كه بـر دخالـت كـامل اجتمـاع محلي (Community) مـتكي است. BDN خوداتـكايـي را از طريـق مـديـريـت و تـامـين مـالـي تـوسط مـردم تـشويـق مـي كـند. BDN راهبـردي است مـعطوف بـه مـردم كـه بـا همكاري بـين بـخشي، حمـايـت حيـاتـي را بـه مـردم عرضه مـي كـند. (www. emro. who. Int/cbi/BDN-document.htm)

بـا ايـن تـفاسيـر اولـين سوالـي كـه اصولاً بـه ذهن مـتبـادر مـي شود ايـن است كـه چـرا سازمـان جهـاني بـهداشت بـه رويـكردهـاي اجتمـاعمـداري چـون BDN تـوجه و تـاكيـد مـيكـند. پـاسخي كـه ايـن سازمـان بـه سوال فـوق مـيدهـد ايـن است كـه «سلامـتي در انـزوا دست يـافـتني نـيست زيـرا عـوامـل مـتعدد تـعيـينكـننده سلامـتي خارج از حيطه نـظام سلامـتي هستـند . ايـن تـعيـين كـننده ها، آمـوزش، مـسكن، درآمـد، آب سالـم، تـغذيـه، خوراك و امـنيت را شامـل مـي شونـد. تـجربـيات در سراسر جهـان حاكي است كـه سواد و درآمـد در كـاهش امـراض و مـرگ و مـيـر مـادران و فـرزنـدان آنـان عـوامـل اساسي هستـند . همـين طور عـوامـل مـحيطي از قـبـيل مـسكن، آب، تـغذيـه و كـيفـيت هـوا، همـچنـين رژيـم و سبك زنـدگي بـراي سلامـتي و تـوسعه (انـساني) پـايـدار اهـميت اساسي دارنـد . (Ibid)

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-02]

همه اين عوامل در شرايطي مطرح مي‌شوند كه طي دو دهه آخر قرن بيستم، در توسعه اقتصادي و رويكردهاي مالي تغييرات اساسي رخ داد و اين تغييرات با جهاني شدن تجارت و دانش و گذر به خصوصي‌سازي همراه بود. تغييرات فوق به ويژه براي افراد آسيب‌پذير اثرات منفي به بار آورد به طوري كه علاوه بر مسائل سلامتي، تركيب پايداري از بيكاري و كم كاري، فقر اقتصادي، سطوح پايين آموزش، مسكن فقيرانه، سوءتغذيه، عدم حساسيت جنسيتي و نبود اراده و ابتكار براي ايجاد تغيير در مسير بهبود را با خود به همراه داشت. بر اين اساس ناعادلانه است كه بدون كنار زدن و يا كاهش اين شرايط طاقت فرسا به بهبودي پايدار سلامتي گروه‌هاي آسيب‌پذير اميدوار بود.

ابتكار نيازهاي اساسي توسعه از دوازده هدف و پنج راهبرد اساسي زير پيروي مي‌كند:

- بسيج و سازماندهي اجتماعات، پيشبرد خويش‌فرمايي (Self-Management) خوداتكايي و وابستگي به خود؛
- تشويق اجتماعات به كار كردن به مثابه شركاي برنامه‌ريزي، اجرا، پايش سياستهاي توسعه؛
- حمايت اجتماعات براي نقش هاي رهبري و تقويت ظرفيت‌هاي آن‌ها از اين نظر؛
- تشويق حكومت به توسعه همكاري موثر بين

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-02]

دستگاه هاي درگير در برنامه، شراكت با جامعه مدني و ساير ذينفع ها و هماهنگي فعاليت‌هاي بين بخشي در حمايت از جوامع؛

- ارتقا ظرفيت‌هاي مديريتي و فني در سطوح مختلف دولتي؛
- بسيج منابع اجتماعات و دولت در مسير واحد معطوف به توسعه اجتماعي، اقتصادي يكپارچه؛
- تعريف و پيشبرد فناوري‌هاي دوستدار سلامتي براي توسعه اجتماعات و تشويق سبك هاي زندگي سالم در درون اجتماعات؛
- آغاز مداخلات اجتماعي و اقتصادي و حمايت از بسيج منابع اجتماع و ورودي هاي فني، فيزيكي و مالي دولت و كارگزاري‌هاي بين‌المللي؛
- كاهش فقر به عنوان علت اساسي آلام اجتماعي و ناخوشي‌ها؛
- تحقيق عملياتي براي طراحي مدل هاي توسعه تسهيل تكرارپذيري برنامه ها در ساير اجتماعات؛
- تقويت وضعيت آموزشي، سواد و آگاهي افراد، به‌منظور مسئوليت‌پذير كردن آنان به عنوان شركاي جامعه؛
- بهبود شاخص هاي سلامتي از طريق خدمات جامع سلامتي و كيفيت بهبوديافته زندگي به عنوان دستاورد توسعه اجتماعي و اقتصادي.

BDN براي تحقق اهداف فوق از پنج راهبرد زير

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-02]

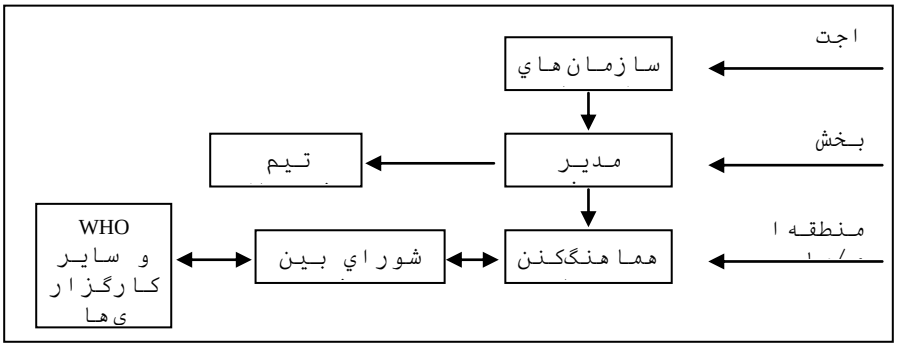
بهره مي‌گيرد:

- سازماندهي اجتماع و مشاركت فعال آنان؛ اجتماع بسيج و سازماندهي مي شود آموزش داده مي شود تا براي ايفاي نقش پيشتاز خود در توسعه خويش مقتدر گردد. در اين فرايند افراد مقتدر مي‌شوند تا عهده دار زندگي خود شد ه و براي بهبود كيفيت زندگي خويش دست به كار شوند.
- حمايت بين بخشي هماهنگ؛ وزارتخانه‌هاي اصلي بخش عمومي در توسعه محلي درگير مي شوند و منابع‌شان را براي حمايت از اجتماعات بسيج مي‌كنند.
- برنامه‌ريزي از پايين به بالا؛ اجتماع برنامه هاي قابل اجرا را به منظور م واجهه با مسايل اولويت‌دار تعريف و تدارك مي‌بينند.
- توسعه يكپارچه و پايدار؛ اجتماع مداخلات چندرشته‌اي يكپارچه متكي بر نيازهاي محلي و اهداف ترسيم شده در قرارداد اجتماعي و سازگار با برنامه هاي ملي و منطقه اي را به اجرا مي‌گذارد. بسته‌هاي آموزشي سلامتي و اجتما عي و توسعه اين فرايند را تسهيل مي‌سازند.
- خوداتكايي و خويش فرمايي: اجتماعات به واسطه بسيج و مساعدت به منابع خودشان براي تضمين پايداري برنامه، فعاليت ها را خود مديريت مي‌كنند. (Ibid: 13-14)

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-02]

رويكرد نيازهاي اساسي توسعه براي پيگيري اهداف و راهبردهاي خود ترتيبات نهادي زير را به كار مي‌گيرد.

نمودار 2: تركيبات نهادي رويكرد نيازهاي اساسي توسعه



WHO:2002:13-14

2ـ2) فقرزدايي از طريق بسيج اجتماعي و اعتبارات خرد

بسيج اجتماعي و اعتبارات خرد براي كاهش فقر، ابتكار يا مدلي است كه عمدتاً خاستگاه آسيايي دارد. ريشه اين مدل اساساً به تجربه گرامين بانك بنگلادش، كميته پيشرفت روستايي بنگلادش (BRAC)، پروژه پايلوت اورانگي (Orangi) در كراچي و برنامه (AKPSP) (حمايت فقراي روستايي آقاخان) در پاكستان، انجمن زنان خويش فرما (SEWA) و مجمع زنان كارگر (WWF) در هندوستان و برخي تجربيات ديگر برمي گردد كه در آن بسيج اجتماعي و

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-02]

سازماندهي فقرا به عنوان رمز كليدي موفقيت شناخته شده است اصل بنيادين بسيج اجتماعي اين است كه فقرا بايد خود راه حل مشكلات ناشي از فقرشان را شناسايي و آن‌ها را به كار گيرند.

هر چند مدل اعتبارات خرد و يا تامين مالي خرد بيش از سه دهه سابقه داشته و در بسياري از كشورهاي در حال توسعه تجربه شده است ولي مدل تركيبي بسيج اجتماعي و اعتبارات خرد، كه در آن سازماندهي فقرا اصل اساسي محسوب مي شود، به دهه 1990 و تلاش كشورهاي جنوب آسيا براي كاهش فقر در اين كشورها برمي‌گردد. به‌طوري كه اين مدل تركيبي كه بر پايه تجربيات متعدد قبلي طراحي شده بود، در اواسط دهه 1990 به برنامه مشترك فقرزدايي جنوب آسيا (SAPAP) تبديل شد و ابتدا در بخش سيانجا (Syanga) نپال به اجرا درآمد و سپس ساير كشورهاي جنوب آسيا (بنگلادش، هندوستان، سريلانكا، مالديو، پاكستان و بوتان ـ اين كشور با تاخير بسيار زياد) به اجراي مدل مذكور پرداختند.

در حالي كه مدل اعتبارات خرد به تامين مالي فقرا و تدارك سازوكارهاي نهادي پايداري آن تاكيد مي‌كند مدل بسيج اجتماعي قبل از همه به سازماندهي و توسعه سازماني فقرا و در درجات بعدي بر تامين مالي و ت وسعه مهارت هاي آنان اهميت مي‌دهد. مع‌الوصف در مدل اعتبارات خرد نيز

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-02]

در گروه هاي كوچك است كه فقرا به مبادله خدمات مالي مي‌پردازند.

بسيج اجتماعي كه در مفهوم وسيع تر به معناي سازماندهي افرادي كه در اجتماع همانندي زندگي مي‌كنند بر مبناي اهداف ويژه مي باشد. فرايندي پويا، مشاركتي و مقتدر شدن افراد به‌ويژه فقرا و گروه هاي به لحاظ اجتماعي حاشيه اي به منظور ارتقاء اجتماعي ـ فرهنگي ـ سياسي و اقتصادي آنان در يك شيوه پايدار محسوب مي‌شود.

(UNDP, UNOPS AA/TU, 2002:3)

مدل تركيبي بر آن است كه هر برنامه فقرزدايي و هر ابتكار توسعه‌اي در بخش‌هاي مختلف اقتصادي و اجتماعي بدون درگيري و مشاركت اجتماع به‌ويژه در سطح محيط بلافصل سكونت افراد شانس كمي براي موفقيت دارد. (Shoaib Sultan khan, 1998)

قابل ذكر است كه بسياري از تلاش هاي گذشته جهت مبارزه با فقر شامل مداخلاتي از خارج بود كه به موجب آن‌ها خود افراد فقير به عنوان هدف مدن ظر بودند و به آنان به عنوان تصميم گيرندگان يا عاملاني كه در صورت داشتن انگيزه و مهارت هاي مناسب قادر به بهبود اوضاع خود باشند، نگريسته نمي‌شد، رهيافت مشاركتي معتقد است تنها راه فقرا براي غلبه بر مشكلاتشان شركت مست قيم آنان در تدوين سياست هاي اجتماعي، پيشبرد طرح ها، اجراي

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-02]

آن‌ها در سطح جامعه و تقسيم منافع حاصل از آن‌هاست. رهيافت مشاركتي داراي هدف دوگانه ارتقاي ميزان رشد و برابري و در عين حال تضمين توسعه فرايندهاي دموكراتيك در ميان توده هاي مردم مي‌باشد. (اوين، الس و ديگران، 1381: 107)

بنابراين، بر طبق رهيافت مشاركتي، در برنامه‌هاي فقرزدايي، فقرا به‌عنوان يكي از شركاي اصلي بايد عامل ف قرزدايي باشند نه صرفاً خدماتبگي‌ر و نفع بر آن. براي كاهش پايدار فقر، فقرا بايستي مقتدر شوند تا از فقر خودشان بكاهند. و به اين خاطر آن‌ها نيازمند ابزارهايي هستند تا خودشان به كاهش فقر بپردازند. بنابراين فرض ضمني بسيج اجتماعي اين است كه در يك جامعه افراد براي رفاه خود و خانواده شان و همين طور جامعه و اجتماع خويش مي خواهند و قابليت‌هايي دارند تا خودشان كارهاي زيادي انجام دهند.

(UNDP/UNOPS/IAAS, 2002:8)

و هدف بسيج اجتماعي بكارگيري توانايي و خواست نهفته آنان براي كمك به خودشان مي‌باشد. (Ibid) به تعبير ديگر بسيج اجتماعي راهنماي اجتماعي /فني افراد براي بكارگيري توانايي‌هايشان است. و چنين راهنمايي براي نيل به اهداف زير اساسي است:

بر اين اساس مدل بسيج اجتماعي كه بر مشاركت و

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-02]

مقتدر شدن فقرا براي مداخله در فرايند فقرزدايي متكي است براي نيل به اهداف خود از سه رويكرد : الف) توسعه سازماندهي و نهادي فقرا، ب) شكلگيري سرمايه و منابع مالي براي فقرا و ج) توسعه مهارتهاي آنان بهره ميگيرد. اين مدل براي توسعه نهادي، تشويق و تسهيل تشكيل سازمان هاي اجتماعي گروه هاي فقير، ب راي تشكيل سرمايه و سرمايهگذاري، ايجاد صندوق هاي مالي، تشويق فقرا به پس انداز و جذب منابع مالي ساير كارگزاري هاي توسعه و هدايت آن توسط فقرا، و نيز براي توسعه مهارتها، آگاهيبخشي و آموزش هدفمند به فقر ا را در دستور كار قرار ميدهد.

مدل بسيج اجتماعي مقتدر شدن فقرا را از سه منظر پيش ميبرد

الف) مقتدر شدن اجتماعي (Social Empowerment) كه بر اساس آن گروه هاي هدف از طريق افزايش پايگاه شان در نتيجه فعاليت هاي زي ر به لحاظ اجتماعي مقتدر مي شوند:

- تشويق احساس جمعگرايي/ همبستگي گروهي؛
- افزايش مداخله اعضا در فرايند تصميم گيري مرتبط با موضوعاتي كه علايق مشترك هستند؛
- تقويت مهارتهاي مديريتي؛
- افزايش مشاركت گروه هاي محروم در فعاليت اجتماعي.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-02]

ب) مقتدر شدن مالي، كه به‌واسطه ايجاد محيطي براي گروه‌هاي هدف به منظور دستيابي به خوداتكايي اقتصادي از طريق رويكردهاي زير به دست مي‌آيد:

- افزايش در فعالي تهاي اقتصادي براي نيل به صرفه‌جويي مقياس؛
- تداركات براي دسترسي به اطلاعات، فناوري و منابع خارجي؛
- تقويت ظرفيت‌هاي محلي براي مقابله موفقيت آميز با فشار نيروهاي بازار؛
- كاهش وابستگي به قرض‌دهندگان محلي و نخبگان.

ج) مقتدر شدن سياسي كه به دلايل زير، ظرفيت گروه‌هاي هدف تقويت مي يابد و آن‌ها قادر مي‌شوند درباره موضوعاتي كه به خودشان مربوط است تصميم بگيرند:

- افزايش در مهارت‌هاي رهبري؛
- حمايت از صداي (نظرات) افراد در نتيجه تاثير سازماني؛
- تقويت ظرفيت مقابله با استثمار؛
- افزايش توانايي براي ورود به ساختار / جريان سياسي.

(UNDP/UNOPS, 2002:11-12)

3ـ2) صندوق توسعه محلي

صندوق توسعه م حلّي (Local Development Fund) عنواني

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-02]

ايراني است كه براي پروژه مشترك با بانك جهاني انتخاب شده است . اين پ روژه برگرفته از مدل صندوق هاي اجتماعي (Social Funds) مي‌باشد كه همانند BDN از دهه 1980 براي مواجهه با اثرات اجتماعي سياست‌هاي تعديل ساختاري در كشورها ي متعدد آمريكايي، آفريقايي، آسيايي و بعضاً برخي كشورهاي اروپاي شرقي تجربه شده است كه در اين ميان بانك جهان ي و برخي از حاميان مالي بين‌المللي اين تجربيات را مورد حمايت فني و مالي قرار داده اند.

صندوق‌هاي اجتماعي نوعي از سياست هاي ميانه اي هستند كه به طور خاص براي جبران زيان گروه هاي آسيب‌ديده از روند تعديل طراحي مي شوند. صندوق اجتماعي اضطراري بوليوي اولين از اين دست بود و بعد از آن با حمايت بانك جهاني و ديگر نهادها ي حامي، صندوق هاي بسياري تاسيس شده اند. (فرانسس استوارت، 1376: 31)

صندوق اجتماعي سازوكاري است كه به واسطه آن منابع بر طبق معيارهاي از پيش تعيين به پروژه‌هايي كه عمدتاً توسط سازمان هاي عمومي، خصوصي يا د اوطلبانه (رسمي يا غيررسمي) محلي پيشنهاد مي شوند، جاري مي گردد. (Carvalho, 1994) به عبارت ديگر صندوق هاي اجتماعي به طور مستقيم پروژه‌هاي كوچك مقياس را كه توسط اجتماع محلي

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-02]

مدیریت می‌شوند، تامین مالی می‌کنند. این صندوق‌ها به توانمندسازی فقرا و گروه های آسیب پذیر با فرصت دادن به آنان برای دخالت و مشارکت فعال در توسعه مربوط به خودشان یاری می رسانند. جوامع محلی با تامین مالی صندوق های اجتماعی و مساعدت‌های فنی آن، اولویت های توسعه ای خود را تعریف می‌کنند، پیمانکاران را به خدمت می گیرند، سرمایه‌های پروژه را مدیریت می‌کنند و پروژه‌ها را اجرا کرده و نگهداری می‌کنند (Leving, 2000:1).

صندوق‌های اجتماعی نوعاً به عنوان کارگزاری های جدید، اغلب خارج از حوزه یك وزارتخانه شکل می‌گیرند، حتی در مواردی که در داخل وزارتخانه ای قرار داشته باشند، آن‌ها در برابر رویه های دیوان‌سالاری از سطح نسبتاً بالای استقلال عمل برخوردارند. این صندوق ها مجموعه هایی با درجات متنوعی از خودجوشی، اقتدار در مسئولیت های اجرایی و مشارکت محلی تلقی می شوند (Carvalho, 1994) چون صندوق های اجتماعی اغلب خارج از دیوان سالاری سنتی حکومت عمل می کنند، آن‌ها سرمایه‌گذاری و اجرای پروژه ها را سریع تر از سازوکارهای توسعه پیش می بردند. از نظر بانك جهانی، صندوق های اجتماعی سازوکارهای غیرمتمرکزی هستند، که از طریق آن ها سرمایه های بانك در دسترس یك نهاد خودمختار قرار می‌گیرد، نهادی که نقش تامین مالی

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-02]

نيازهاي سرمايه اي جمعيت را به عهده دارد . اين نيازها را گروه ها، انجمن ها يا سازمان هاي غيردولتي محلي بيان مي كنند، بانك جهاني بر تامين مالي صندوق هاي اجتماعي به عنوان يك «پروژه» مي‌نگرد از اين رو «پروژه خرد» نامي است براي هر يك از سرمايه گذاري هاي مالي منفرد. در زمان ايجاد (پروژه) ملاك‌هاي معيني وجود دارند كه بر اساس آن‌ها تعيين مي شود كدام نوع پروژه ها مورد پذيرش قرار گيرند. (The World Bank, 2001)

در كل مي توان عنوان نمود صندوق اجتماعي يك نهاد مستقل غيردولتي و خودمختار است كه وظيفه آن تامين مالي پروژه ها و برنامه هاي اجرايي ايجاد اشتغال ، ايجاد زيربناهاي اقتصادي، اجتماعي و طرح هايي است كه بر اساس نيازهاي جامعه محلي و با تشخيص خود آن‌ها تعريف شده اند. اين پروژه ها كه از طريق موسسات غيردولتي و با همكاري تشكل‌هاي خودجوش و نيز شوراهاي محلي اجرا مي‌گردند، فقيرترين خانوارهاي اجتماع را به عنوان گروه هدف مدنظر قرار مي‌دهند.

صندوق‌هاي اجتماعي و پروژه هاي مورد حمايت اين صندوق‌ها به‌واسطه روشناسي زير تعريف مي‌شوند:

الف) آن‌ها طرح‌هاي كوچك مقياس (معمولاً تا 100 هزار دلار) را تامين مالي مي‌كنند كه توسط اجتماع محلي مديريت مي‌شوند.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-02]

ب) اين صندوق‌ها، صندوق به معناي مرسوم آن به‌عنوان نهاد مالي نيستند بلكه واژه صندوق، حسابي است كه منابع مالي پروژه به آن واريز مي‌شود.

ج) اين صندوق ها در اصل به اعطاي وام نمي‌پردازند بلكه آن‌ها پروژه‌هاي تقاضا محور را كه در اصل مقياس محلي دارند تامين مالي مي‌كنند. هرچند نسل سوم صندوق هاي اج تماعي بعضاً به اعطاي اعتبارات خود نيز روي آورده اند. علاوه بر اين آن ها اساساً نهادهاي برنامه ريزي، اجرا، نظارت، هدايت و پايش در سطح محلي محسوب مي‌شوند.

د) ترتيبات نهادي كه معمولاً براي مديريت اين صندوق‌ها طراحي و ايجاد مي شوند، خارج از ساختار اداري حكومتي استقرار مي‌يابند.

هـ) هدف همه صندوق هاي اجتماعي كاهش فقر در كوتاه‌مدت و بلندمدت مي باشد (Batkin A, 2002:461) اما ماهيت پيوند بين فعاليت هاي صندوق‌ها و كاهش فقر ممكن است از صندوقي به صندوق ديگر فرق كند و اين تفاوت به خاطر اين است كه صندوق‌ها به تركيبي از شش هدف زير، اولويت هاي متفاوتي مي‌دهند.

- ايجاد فرصت‌هاي شغلي كوتاه‌مدت؛
- ايجاد و بهبود زيرساخت‌هاي اجتماعي و اقتصادي؛
- درآمدزايي غيرساختي؛

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-02]

- پيشبرد بخش خصوصي؛
- تقويت جامعه مدني؛
- تمركززدايي و تقويت اداره امور محلي (Batkin A, 2002: 463)

بدين ترتيب همچنان كه در گزارش كلاديا فوما (Claudia Fuma) و همكارانش ذكر شده، صندوق هاي اجتماعي مدعي هستند كه ابزار موثري براي حمايت از اقدام محلي به منظور كاهش فقر مي‌باشند. (Fuma Claudia et al, 2000)

صندوق‌هاي اجتماعي اهداف كاهش فقر خود را از طريق رشته اي از ابزارهاي ذيل به انجام مي‌رسانند:

- تقويت ظرفيت هاي غيردرآمدي فقرا از طريق افزايش دسترسي آنان به خدمات ا ساسي انساني (يعني از طريق تدارك خدمات اجتماعي اساسي)؛
- تقويت درآمد فقرا از طريق دسترسي آنان به دارايي‌هاي مولد يعني از طريق طرح هاي اعتبار خرد و تدارك مستقيم دارايي‌ها؛
- تقويت درآمد فقرا از طريق بهبود نرخ هاي دارايي‌هاي مولد موجود فقرا؛
- تقويت درآمد فقرا از طريق افزايش دسترسي آنان به فرصت‌هاي شغلي دستمزدي يعني از طريق طرح هاي اشتغال‌زايي؛
- تقويت درآمد فقرا از طريق افزايش ميزان

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-02]

اشتغال به كار دستمزدي آنان؛
ـ تقويت درآمد فقرا از طريق انتقال هاي مستقيم
(Reddy, Sanjay 1998: 7-8).

3) تجربه كشوري ابتكارات سه‌گانه

همچنان‌كه پيش‌تر اشاره شد در اين مقاله صرفاً س ه نوع از ابتكارات اجتماع‌مدار كه با همكاري مشترك آژانس‌هاي بين‌المللي در كشور تجربه شده اند و يا در حال تجربه اند مطرح مي شوند. در قسمت قبلي بيشتر مباحث نظري و روش شناختي اين ابتكارات مورد توجه قرار گرفت و اين قسمت، عمدتاً به مباحث اجرايي آن‌ها مي‌پردازد.

3-1) رويكرد نيازهاي اساسي توسعه

توجه به رويكرد نيازهاي اساسي توسعه به عنوان رهيافتي براي بهبود سلامتي اجتماعات انساني به‌ويژه اجتماعات فقير، از سال 1379 به‌طور آزمايشي در برخي مناطق روستايي سه استان آذربايجان غربي، بوشهر و چهارمحال بختياري و در كل در 10 روستا در حال اجرا مي باشد. در پيش‌برد اين ابتكار وزارت بهداشت و درمان و آموزش پزشكي طرف اصل ي ايراني است و سازمان جهاني بهداشت WHO نيز به حمايت مالي و فني از آن مي پردازد. دبيرخانه كشوري BDN در دفتر سلامت محيط و بهداشت كار وزارتخانه مزبور مستقر مي‌باشد و وزارت كشور

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-02]

(استانداري‌هاي استان هاي منتخب) مسئوليت اجرايي برنامه‌ها و فعاليت‌ها را به عهده دارند.

برنامه اجرايي BDN به دو بخش مقدماتي (با جنبه‌هاي توجيهي و آموزشي) و بخش اجرايي شامل يكسري عمليات و فعاليت هاي اجرايي در مناطق پايلوت قابل تقسيم بندي است در بخش مقدماتي عمدتاً به ظرفيت سازي، آگاهي بخشي و مطالعات پرداخته شده است كه توجيه مقامات استاني، تشكيل كلاس‌هاي آموزشي، انتخاب مناطق پايلوت ، برنامه‌ريزي براي مناطق پايلوت، بسيج جام عه به همراه تشكيل كميته توسعه روستايي و بررسي و مطالعات اوليه و اولويت بندي نيازها از آن جمله اند.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-02]

J2

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-02]

بخش دوم اجراي برنامه هاست كه در اين مرحله پس از شناسايي نيازها و اولويتبندي آن توسط مردم و بعد از ارائه راه‌حل‌هاي پيشنهادي از طرف مردم به اعضاي تيم توسعه بين بخشي، آن‌ها مبادرت به رفع مقررات اداري نموده و مردم را در اجراي طرح هاي پيشنهادي ياري مي نمايند. كميته توسعه روستايي براي رفع مشكلات مردم پروژه هايي را تهيه مي‌كنند، آنان پروژه ها را به استانداري ارسال مي كنند و همزمان نسخه اي از پروژه ها را به دبيرخانه استاني و سپس دبيرخانه كشوري منعكس مي كنند تا پس از تاييد فني پروژه ها و تامين اعتبار آن‌ها تيم توسعه روستايي نسبت به اجراي پروژه هاي مصوب اقدام كند.

در اين رويكرد ع لاوه بر اجراي پروژه هاي اولويت‌دار تامين شده به منظور ترويج رفتار مبتني بر اصل اعتماد در اتكا به يكديگر (مابين نمايندگان دولت و مردم) به افراد روستاهاي پايلوت وام نيز داده مي‌شود.

منابع مالي پروژه نيز سه جانبه مي‌باشد:

ـ سهم محلي كه توسط مردم تأمين مي‌شود؛

ـ سهم دولت، كه از طريق وزارتخانه هاي مربوط به استانداري و از اين طريق بين روستاهاي منتخب توزيع مي‌شود

ـ كمك‌هاي اهدايي سازماني بهداشت جهاني طي مدت

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-02]

اجراي طرح. پروژه‌هاي متعددي در 10 روستاي منتخب با منابع سه جانبه تعريف، اولويت‌بندي و به اجرا گذاشته شده‌اند كه آن‌ها را نوعا در سه دسته زير مي‌توان طبقه‌بندي كرد:

الف) پروژه‌هاي درآمدزايي؛

ب) پروژه‌هاي اشتغال زايي همانند اشتغال زايي جوانان؛

ج) پروژه‌هاي توسعه زيرساخت هاي محلي همانند ايجاد امكان فرهنگي ورزشي و بهسازي احداث مهدكودك.

طبق برنامه زمان بندي فاز اجراي مدل BDN اين برنامه از اواخر سال 1379 شروع شده و تا اواخر سال 1384 با ارزيابي فرايند، نتايج و اثرات، اين فاز پايان مي پذيرد. (Ibid: 10) از آن‌جا كه اين گزارش هنوز تهيه نشده است براي آگاهي از دستاوردهاي اجراي BDN در سه استان مورد نظر به گزارش‌هاي موجود اكتفا مي‌شود.

آن‌چه در گزارش مختصر وزارت بهداشت و درمان و آموزش پزشكي از فعاليت هاي ابتكارات اجتماع‌مدار در خصوص BDN برمي‌آيد اين است كه اين ابتكار در آذربايجان غربي عمدتاً به دليل متغير بودن مديران و مقامات ارشد مربوط در سطح استان، پيشرفت كندي داشته است . گزارش مذكور پيشرفت‌هاي BDN در 10 روستاي منتخب را بين

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-02]

سال هاي 2001 تا 2004 ميلادي (1379 تا 1383) در هفت عرصه زير خلاصه مي كند:

الف) طي اين مدت از روستاهاي پايلوت مهاجرت به بيرون صورت نگرفته است؛

ب) در اين مدت در راستاي سازماندهي اجتماعي 10 كميته توسعه روستايي، 160 نمايندگي خوشه و 34 كميته فرعي فعال تشكيل شده اند؛

ج) خود اتكايي مالي با تاسيس 10 صندوق د ر گردش با تركيب سهام با شرح ذيل:

53 هزار دلار امريكا مشاركت اجتماع (روستاها)، 570 هزار دلار بودجه (سهم) دولت و 65 هزار دلار بودجه (مشاركت) WHO، پيگيري شده است؛

د) پيشبرد فرصت هاي شغلي با اجراي 46 پروژه درآمدزايي و اجراي 14 پروژه اجتماعي؛

هـ) تعاون و هماهنگي بين اجتماع و استانداران، تشكيل 821 نشست اعضاي تيم پشتيباني فني با اجتماع؛

و) تشويق مهارت هاي اجتماع با اجراي 65 دوره آموزش در نواحي پايلوت؛

ز) مقتدرشدن زنان از 8016 نفر زن در نواحي پايلوت، آموزش دوره هاي كشاورزي بر اي 1002 نفر زن، اجراي 30 پروژه منحصراً براي زنان، توانمندسازي مالي 120 زن، عضويت 23 زن در كميته توسعه روستايي و عضويت 14 زن در س ر

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-02]

خوشه ها . (Ibid: 13-16)

2-3) پروژه كاهش فقر از طريق بسيج اجتماعي و اعطاي اعتبارات خرد

اين پروژه به‌طور آزمايشي در ايران به اجرا گذاشته شده است . اين پروژه براي بهبود وضعيت زندگي 400 خانوار، در دو منطقه شيرآباد (محله‌اي شهري و فقيرنشين در شهر زاهدان) و روستاي دهان از بخش بنت نيك شهر در استان سيستان و بلوچستان در سال 1380 شروع و در اواخر سال 1383 خاتمه يافت. اين پروژه با مشاركت برنامه عمران ملل متحد (UNDP) و سازمان مديريت و برنامه ريزي كشور تعريف و به اجرا گذاشته شد . در اين ميان UNDP تامين مالي آن را بر عهده داشت و صندوق توسعه پايدار و خانواده به عنوان يك سازمان غيردولتي مجري پروژه بود.

قابل ذكر است كه دادن وام به افراد نيازمند براي رفع مشكلات خويش و يا كمك به شروع به كار و فعاليت افراد نيكوكار در ايران و جهان سابقه طولاني دارد در حال حاضر نيز علاوه بر اقدامات انفرادي، سازمان‌ها و تشكل‌هاي چندي در اين زمينه اقداماتي را انجام مي دهند و فقرا در زمينه توانمندسازي خودشان موفقيت‌هايي نيز به دست آورده اند ولي آنچه پروژه فقرزدايي از طريق بسيج اجتماعي و اعطاي اعتبارات خرد را از ساير

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-02]

پروژه‌ها از اين نوع جدا مي سازد، تاكيد ويژه آن بر سازماندهي اجتماعات محلي و محله هاي شهري است. به عبارت ديگر اي ن پروژه از دو ويژگي اساسي زير برخوردار بوده است:

الف) توسعه مشاركتي و بسيج اجتماعي : يعني سازماندهي فقيران در گروه‌هايي با عنوان سازمان‌هاي محلي تا آن‌ها بتوانند به صورت پايدار به فعاليت‌هاي توليدي سودآور بپردازند. پروژه از اين نظر، در دو منطقه مورد عمل، 15 سازمان محلي را در گروه هاي 25 الي 30 نفره شكل داده است كه طي اين مدت مردم در سازمان ه‌اي محلي بيش از 130 جلسه داشتند.

ب) ايجاد و تشويق روحيه تعاون و كار گروهي در ميان فقرا و افزايش سرمايه اجتماعي در ميان آنان به طوري كه در اين روش ضمانت اجتماعي جايگزين وثي‌قه براي استفاده از تسهيلات اعتباري مي‌شود.

جدول 2: آخرين وضعيت سازمان‌هاي محلي در شيرآباد

منطقه / نام	شيرآباد زاهدان	روستاي دهان
تعداد سازمان‌هاي محلي	7	8
تعداد اعضا	225	201
ميزان پس‌انداز (به ريال)	233/369/860	10/253/092
تعداد افراد وام‌گرفته	135	34

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-02]

مبلغ پرداخته‌شده (به ريال)	315/000/000	85/164/000
تعداد جلسات تشكيل‌شده	85	46
طرح‌هاي درآمدزا	خياطي، پخت نان، پرورش گوسفند و مرغ، قاليبافي، ايجاد فروشگاه مواد غذايي، سوزن‌دوزي، لحافدوزي، بستني‌سازي و بستني‌فروشي، سكه‌دوزي، ايجاد عامليت تعاوني قند و شكر	خياطي، مهر زدن روي لباس‌هاي محلي، سوزن‌دوزي، گسترش مغازه مواد غذايي، آرايشگري، مغازه فروش لوازم يدكي، پرورش گوسفند، مغازه تعويض روغن، ايجاد مغازه خواربارفروشي

بر طبق «گزارش پاياني پروژه (1383)» روش سازماندهي خانوارهاي هدف به اين ترتيب بوده است كه ابتدا مخاطبان با استفاده از شيوه مبتني بر مشاركت مردم (PRA) شناسايي شدند از هر يك از خانوارهاي مورد نظر، يك نفر براي عضويت در سازمان محلي داوطلب و انتخاب شد اين افراد پس از آموزش‌هاي مقدماتي لازم در گروه هاي 25 تا 30 نفر به‌عنوان سازمان محلي متشكل شدند. البته همه اين مراحل توسط توسعه ياراني (Facilitators) كه با آموزش‌هاي لازم نظري / عملي براي اجراي طرح آماده شده بودند انجام گرفت.

گزارش مذكور نتايج و دستاوردهاي پروژه را در دو بعد اجتماعي و اقتصادي خلاصه مي كند در حوزه اجتماعي عمدتاً به «مقتدر شدن» گروه‌هاي هدف به‌ويژه زنان و ايجاد اين باور در آنان كه

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-02]

مشاركت در عرصه هاي اجتماعي حق آنان است و مي‌توانند در شئونات اجتماعي منطقه زيست خود دخالت فعال داش ته باشند و اين‌كه فقر سرنوشت محتوم آنان نيست و براي تخفيف آن خود بايد دست به كار شوند . در حوزه اقتصادي نيز رواج اخلاق پس‌انداز كردن و تلاش براي درآمدزايي و درآمدافزايي قابل ذكرند.

مطابق گزارش فوق ساير دستاوردهاي پروژه به شرح زيرند:

ـ تغيير نگرش مسئولان دولتي و افراد غيرفقير (منطقه) نسبت به فقر گروه‌هاي هدف؛ (همان، ص 13)

ـ ايجاد باور در محرومان ديگر براي فعال تر شدن به منظور بهزيستي خويش به عنوان اثر نمايشي پروژه؛

ـ ت أثير بر بعضي از عوامل فقر از طريق اطلاع‌رساني و آگاهي بخش عمومي و شناخت افراد از عوامل فقرزا؛

ـ افزايش توانمندي اعضاي سازمان‌هاي محلي براي برقراري ارتباط و مكاتبه و طرح مشكلات فردي و اجتماعي به دستگاه‌هاي دولتي منطقه؛

ـ افزايش دسترسي افراد به خدمات و زيرساخت‌هاي اجتماعي و اقتصادي به عنوان پيامد غيرمستقيم پروژه در اثر فعال شدن سازمان هاي دولتي و كارگزاري‌هاي توسعه‌اي در منطقه؛

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-02]

ـ توانمند شدن تيم مجري پروژه طي سه سال كار با مردم و گذراندن انواع آموزش و مطالعات و اقدامات ميداني (به‌طوري كه) اكنون (تيم) تبديل به گروهي توانمند در اجراي پروژه هاي توسعه مشاركتي شده است.

اين گزارش با اذعان به اين‌كه پروژه‌هايي از اين است بايد حداقل 10 سال مورد حمايت باشند زيرا كه رسيدن به نتايج اجتماعي روندي طولاني مدت را مي طلبد، در مورد درس ه‌اي آموخته پروژه اين‌گونه جمع مي‌كند كه:

«در مجموع آموختيم كه حتي در فقيرترين مناطق كشورمان مي توان مردم را توانمند كرد . زنان محرومي كه تا قبل از اجراي پروژه حتي يك بار هم در اجتماعات سخن نگفته بودند، اكنون در جلسات سازمان‌هاي محلي با يكديگر بحث مي‌كنند و در مورد مسائل و مشكلات فردي و اجتماعي خود ت صميم مي‌گيرند، طرح و پروژه مي نويسند و آن را اجرا مي‌كنند. اين زنان آموختند كه وارد مسائل مالي شده وام بگيرند و حساب و كتاب خود را نگهدارند

در سازمان‌هاي محلي ايجاد شده در هر دو منطقه، مخاطبان علي‌رغم فقر زياد، از پس‌انداز استقبال كردند. هم‌اكنون نيز هر كدام در حساب هاي سازمان‌هاي محلي پس اندازي دارند . اين شيوه پس‌انداز گروهي نقش بسيار مهمي در فعاليت هاي

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-02]

اقتصادي و اجتماعي آنان دارد و جهان بيني آنان را تحت تاثير قرار داده است.» (همان:22)

3-3) پروژه صندوق توسعه محلي

همچنان‌كه اشاره شد صندوق محلي پروژه مشتركي با بانك جهاني است كه مراحل تعريف و طراحي خود را پس از 2 سال طي كرده است و از اواخر سال 1383 با دو پروژه مرحله اجرايي آن تقريباً شروع شده است و اجراي قطعي اين پروژه پس از تصويب وام پيشبيني شده بانك جهاني (75 ميليون دلار) در بورد آن بانك شروع خواهد شد . در اين پروژه دولت ايران نيز براي كمك به توسعه محلي از طريق صندوق حداقل 25 درصد سهم خواهد داشت كه با سهم بانك در مجموع منابع مالي صندوق 100 ميليون دلار خواهد بود. قابل ذكر است براي تعريف و طراحي و تدارك پروژه بيش از 2 سال است كه دولت ايران هزينه كرده است

استان‌هاي هدف پروژه، پنج استان *، تهران، خراسان رضوي، خراسان جنوبي، خوزستان و همدان مي‌باشند. مع‌الوصف پروژه در مرحله اول تمامي مناطق استان هاي فوق را دربرنمي گيرد بلكه خوشه‌هاي فقر تعريف شد ه بر طبق مطالعه اجتماعي

* استان‌هاي هدف پروژه، در ابتدا 4 استان بود كه با تقسيم استان خراسان با توجه به خوشه هاي فقر تعريف شده در آن استان، خراسان جنوبي نيز به فهرست استان هاي هدف افزوده شد.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-02]

(Piran, 2002a) را شامل مي شوند كه عمدتاً مناطق روستايي و برخي سكونت گاه‌هاي غيررسمي در شهرستان‌هاي مورد نظر، محدودة عمل پروژه خواهند بود. اين پروژه از زمان شروع قطعي مرحله اجرا به مدت 5 سال طول مي كشد و طي اين مدت، امكان افزودن خوشه هاي فقر جديد براساس مطالعات اجتماعي در درون استان هاي مذكور وجود خواهد داشت ولي براي تعريف و تعيين استان هاي جديد به پروژه، اتمام مرحله آزمايشي ضروري است.

سند ارزيابي پروژه كه در كنار موافقتنامه وام از مهم‌ترين اسناد آن محسوب مي‌شود. هدفمندي پروژه را در دو سطح انتخاب استان‌ها و انتخاب اجتماعات در درون استان ها ذكر مي كند. در مورد سطح اول يادآور مي‌شود كه به دلايل ذيل فقيرترين استان ها انتخاب نشده‌اند:

الف) فقيرترين استان ها با فقر منابع زيادي مواجهند و دسترسي به آن ها مشكل است به طوري كه تضمين نمايش موفق پروژه تقاضامدار اجتماع بسيار سخت مي‌باشد؛

ب) مشكل دوم ماندگاري جمعيت در فقيرترين استان‌هاست و بنابراين؛

ج) نتايج پايلوت در استان هاي مذكور ممكن است معرف (خوبي) نباشد. (PAD April 5,2005:41) و (Piran, Ibid: 49-62)

بر اين اساس تاكيد بر اين مي شود كه استان هاي

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-02]

هدف علي‌رغم فقير بودن بايستي معرف تنوع شرايط جغرافيايي و اجتماعي باشند . آن‌ها همين طور بايستي سطح كافي مشاركت و درگيري اجتماع محلي را به نمايش بگذارند. (Ibid)

در مورد سطح دوم هدفمندي يعني انتخاب خوشه هاي فقر، بايد يادآور شد كه در اين سطح، مناطق شهري و روستايي به طور جداگانه براساس سط ح توسعه نمره‌دهي و امتيازبندي شدند . علاوه بر طبقه بندي براساس فقر، ملاك ديگري تحت عنوان سطح بسيج اجتماع وارد عمل شد . زيرا مطالعه ارزيابي اجتماعي اوليه نشان داد كه سطح محروميت به تنهايي ملاك كافي نيست. بنابراين به خاطر اين‌كه پروژه صندوق توسعه محلي در روش ت وسعه مشاركتي جديد، بسيج اجتماعي موفق پيشتاز باشد وجود نهادهاي مؤثر مرتبط با جامعه مدني، NGO ها و CBO هاي فعال مورد ملاحظه قرار گرفت. (Ibid: 40-41)

نوع ديگري از هدفمندي پروژه كه در سند تصريح نشده، هدفمندي اجتماعي است زيرا در اهداف سه‌گانه پروژه، يكي از اهداف مشخصاً به هدفگذاري اجتماعي پرداخته است.

سند ارزيابي پروژه ضمن تاكيد بر رويكرد ظرفيت‌سازي شوراهاي محلي به منظور بر عه ده گرفتن فعاليت توسعه ايي تقاضا مدار اجتماع محلي، هدف عمومي پروژه را مساعدت به كاهش فقر و جوابگويي

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-02]

به نيازهاي گروه هاي آسيب‌پذير اجتماع از طريق انجام فعاليت‌هاي ذيل تلقي مي‌كند:

- حمايت از توسعه اجتماع محلي به واسطه بهبود دسترسي به خدمات اساسي اجت م اعي و اقتصادي (بهداشت، آموزش، محيط فيزيكي) و فرصت هاي درآمدزايي (تا حد 75 درصد منابع پروژه)؛
- حمايت از گروه هاي آسيب‌پذير هدف، به‌ويژه زنان، كودكان، جوانان وافراد معلول؛
- ايجاد نهادهاي محلي و استاني، پايش و ارزيابي، آموزش و مديريت پروژه (Ibid: 11)؛

بنابراين پروژه صندوق توسعه محلي علاوه بر هدفگذاري جغرافيايي، بر هدفگذاري اجتماعي نيز متكي است؛

اين پروژه طي 5 سال به طور آزمايشي ابتدا در 34 منطقه روستايي و 9 سكونتگاه فقير و غيررسمي شهري در استان هاي منتخب اجرا مي‌گردد و در صورت موفقيت و رضايت دولت ايران و بانك جهاني، قابل تكرار و گسترش خواهد بود.

جدول 3: تعداد مناطق اجراي پروژه صندوق توسعه محلي بر حسب روستايي و شهري در استان‌هاي منتخب

استان	مناطق شه‌ري (سكونتگاه‌هاي غيررسمي)	مناطق روستايي
تهران	—	11
خراسان رضوي	1	3
خراسان جنوبي	2	3
خوزستان	3	8
همدان	3	9

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-02]

جمع	9	34

مأخذ: سند ارزيابي پروژه.

پروژه صندوق توسعه محلي براي پيش برد اهداف خود از ترتيبات نهادي (غيررسمي) زير در سطوح ملي، استاني و محلي كمك مي‌گيرد.

در سطح ملي طرف اصلي پروژه وزارت كشور است كه بيرون از وزارتخانه از يك ساختار جانبي براي مديريت پروژه كمك مي‌گيرد. در بالاترين سطح كميته راهبري ملي است كه خط مشي كلي و مسير پروژه و تصويب برنامه هاي سالانه پروژه شامل برنامه هاي بودجه و برنامه هاي عمل‌ياتي را برعهده دارد و هماهنگي‌ها و حمايت‌هاي ملي براي پيش‌برد پروژه را ايجاد مي‌كند. پس از كميته راهبري ملي، واحد يا دفتر هماهنگي مركزي پروژه قرار دا رد كه با يك مدير ملي و تعدادي كارشناس در حوزه هاي مرتبط، پيگيري‌ها و حمايت‌هاي ستادي از پروژه را بر عهده دارد. اين دفتر، واحد اصلي ارتباط و گزارش دهي به سازمان هاي ذيربط كشوري و بانك جهاني محسوب مي‌شود.

در سطوح استاني، استانداري‌هاي استان‌هاي منتخب نقش وزارت كشور را در پروژه بر عهده دارند و منابع مالي ملي را به پروژه تزريق كرده و پشتيباني‌ها و زمينه هاي پيش‌برد پروژه را فراهم مي‌كنند. در هر استان يك كميته راهبري استاني براي ايفاي نقش كميته راهبري ملي در سطح استان

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-02]

حضور خواهد داشت و در كنار اين كميته، واحدهاي پشتيباني فني، حمايت‌هاي فني و تخصصي از پروژه و پيش‌برد امور اجرايي پروژه را بر عهده دارند اين واحدها با يك مدير و چهار نفر كارشناس در حوزه‌هاي ذيربط اداره مي‌شوند.

در سطح محلي، شوراهاي اسلامي شهر و روستا ، مردم ساكن و ذينفع در خوشه هاي فقر و سازمان هاي غيردولتي و تعاوني ها قرار دارند كه با دخالت و مشاركت خود در فرايند عمل صندوق، تقاضامداري صندوق و انطباق اقدامات و پروژه ها با نيازهاي واقعي اجتماع را تضمين مي‌كنند.

4) تحليل مقايسه‌اي

تحليل مقايسه‌اي سه رويكرد (جدول شماره 4) حاكي است در صورتي كه به اعتبارات خرد به عنوان يك رويكرد جدا از بسيج اجتماعي نگريسته نشود، هر سه رويكرد از دهه 1980 ميلادي در سطح جهاني مطرح و به كار بسته شده اند. دهه‌اي كه با اوج گيري سياست‌هاي تعديل ساختاري و عمدتاً فقر فزاينده در كشورهاي در حال توسعه همراه بود . همين‌طور ناكارآمدي سياست‌هاي اجتماعي متمركز و از بالا به پايين دولتي را نمايان ساخت از اين رو ابتكارات و رويكردهاي مورد بحث را مي توان به عنوان بخشي از راه‌حل‌هاي برون رفت از شرايط و مسايل ناشي از اجراي سياست هاي تعديل ساختاري و ناكارآمدي

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-02]

دولت‌ها تلقي نمود. با اين حال چنين خاستگاه هايي را در سطح كشوري به صراحت نمي توان براي در پيش گرفتن ابتكارات سه‌گانه تعيين نمود. اين در حالي است كه هر سه ابتكار از نظر سازمان شروع‌كننده و مشوق در سطح جهاني و ايران تقريباً وجوه مشترك دارند. به‌طوري كه در هر دو سطح، يك سازمان بين‌المللي، دولت و يا سازمان غيردولتي، سازمان مشوق و آغازگر بوده است. از نظر گروه هدف نيز به طوري كه BDN و بسيج اجتماعي عمدتاً روستاييان فقير را طرف توجه قرار مي دهند و به مناطق روستايي محدودند، صندوق اجتماعي هم مناطق روستايي و هم مناطق شهري را مدنظر دارد. البته رويكرد بسيج اجتماعي در ايران علاوه بر مناطق روستايي در محله هاي فقير شهري (همان‌د شيرآباد زاهدان) اجرا شده است.

هر سه رويكرد از نظر روش هاي هدف‌گذاري كم و بيش مشتركند و ضمن توجه به هدف گذاري جغرافيايي (و انتخاب مناطق فقير كه در صندوق اجتماعي، خوشه‌هاي فقر تعبير مي شود) بعضاً از هدف گذاري اجتماعي (اولويت‌دهي به برخي گروه هاي اجتماعي همانند زنان، كودكان در معرض آسيب و ...) پيروي مي‌كنند.

از نظر سازمان اجرا، سه رويكرد تشابهات و تفاوت‌هاي بارزي دارند، به طوري كه هر سه از

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-02]

ترتيبات سازماني خارج از دولت نيز بهره مي‌گيرند در حالي كه در BDN بر همكاري بين‌بخشي (در ميان دستگاه‌هاي دولتي مرتبط) و مشاركت مردمي (با تشكيل كميته‌هاي توسعه روستايي...) تاكيد مي‌شود. در صندوق اجتماعي بر اجراي متمركز پروژه هاي تقاضا محور خرد اقتصادي و اجتماعي و سرعت عمل در اجرا تاكيد مي گردد، صندوق اجتماعي در اين فرايند اجتماع محلي و سازمان هاي غيردولتي را نيز به كار مي‌گيرد. بسيج اجتماعي فرايندي تقريباً متفاوت از اين دو دارد و در آن قبل و بيش از همه تشكل و سازمان‌يابي محلي گروه‌هاي هدف و مشاركت مستقيم آنان در تمامي فرايند امور(برنامه‌ريزي، اجراء، نگهداري و بهره برداري) محور كار قرار مي‌گيرند. از اين‌رو مي‌توان عنوان نمود كه از سه بعد اساسي فقر يعني الف) فقر درآمد و دارايي، ب) فقر دسترسي به خدمات اساسي و ج) فقر قدرت. رويكرد بسيج اجتماعي بيش ترين توجه را به فقر قدرت

J3

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-02]

J3

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-02]

و فقر درآمد و دارايي معطوف مي دارد در حالي كه مدل صندوق اجتماعي اساساً بر كاهش و رفع فقر دسترسي به خدمات اساسي سرمايه‌گذاري مي‌كند و BDN بيشتر به دو مورد اول معطوف مي‌شود.

از نظر منابع مالي صندوق اجتماعي بيش ترين وابستگي را به منابع مالي سازمان هاي بين المللي (عمدتاً بانك جهاني) و كمك‌كنندگان جهاني (Donors) دارد. همين‌طور صندوق اجتماعي به منابع مالي دولتي نيز شديداً وابسته است. BDN نيز عمدتاً به اعتبارات دولتي وابستگي دارد. اين در حالي است كه بسيج اجتماعي (البته نه در ايران) بر پايه منابع و پس اندازهاي محلي شكل مي گيرد. و از منابع و حمايت هاي مالي خارجي (دولتي و بين‌المللي) براي تقويت صندوق محلي بهره مند مي‌شود.

5) چالش و تنگناها

به چالش‌هاي اصلي ابتكارات مورد بحث بايستي از دو منظر: الف) قابليت‌ها و ظرفيت‌هاي ابتكار و يا رويكرد و ب) ساختارها و سياست هاي كلان نگريست. از نظرگاه اول عمدتاً تع ميم‌پذيري، تكرارپذيري، تناسب، كارايي، اثربخشي و پايداري مورد توجه هستند.

اين‌كه آيا اين روش ها براي تحق هدف هاي مورد نظر تناسب دارند؟ آيا از نظر هزينه ـ فايده،

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-02]

مناسب و كارا هستند؟ آيا به لحاظ نتايج و بازدهي، اثربخش محسوب مي شوند؟ به طور مشخص آيا افزايش درآمد و دارايي فقرا، گسترش برخورداري آنان از خدمات اساسي و فرصت هاي اجتماعي و نيز فزوني قدرت و تأثيرگذاري فقرا بر فرايندهاي تصميم‌گيري و... را در پي دارند؟ همين طور آيا اين ابتكارات و رويكردها در مناطق و شرايط مختلف تكرارپذيرند؟ چگونه مي توان تعميم‌پذيري آنان را تضمين نمود؟ به عبارت ديگر آيا اين ابتكارات به لحاظ فيزيكي، اجتماعي و مفهومي قابليت تعميم‌پذيري دارند؟ از نظر فضايي / جغرافيايي، نهادي و فني چطور؟ همين چالش ها از نظر پايداري نيز مطرح اند اين‌كه رويكردها و مدل‌هاي مورد بحث مي توانند به لحاظ ترتيبات نهادي تعريف شده و مورد عمل و نيز به لحاظ رويه‌ها و منابع مالي پايدار بمانند؟

از منظر دوم، در اصل ساختارهاي اجتماعي و اقتصادي و سياسي كلان كشوري و سياستها و برنامه‌ها دولتها مورد توجه‌اند، به اين معني كه ساختارها و سياستهاي كشوري با ابتكارات و رويكردهاي اجتماع‌مدار تا چه اندازه همسويي دارند؟ آيا در مسير تقويت آن ها عمل مي‌كنند و يا در مسير عمل آن‌ها فضا و شرايط را تنگ‌تر مي‌سازند در اين‌باره به طور مشخص مي‌توان به مقوله تمركززدايي، شيوه‌ها

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-02]

و سطح آن به عنوان موضوعي بسيار مؤثر بر موفقيت ابتكارات اجتماع‌مدار اشاره كرد. اين‌كه هر اندازه سياست‌ها و برنامه هاي تمركززدايي در كشوري موفقيت‌آميز باشد، رويكردهاي اجتماع محور نيز فرصت بيش‌تري براي پيشرفت خواهند داشت در مقابل نيز هر اندازه كشوري از ساختارها، سياست ها و برنامه‌هاي متمركز از بالا به پايين پيروي كند، ابتكارات اجتماع‌مدار نيز با شرايط سخت‌تري مواجه خواهند شد.

به هر ترتيب تنگناهاي دوگانه مذكور، چالش هاي اصلي هر نوع ابتكار اجتماع‌مدار محسوب مي‌شوند. و رويكردهاي «نيازهاي اساسي توسعه »، «بسيج اجتماعي و اعتبارات خرد » و «صندوق‌هاي اجتماعي» هر كدام به نوعي و با بخشي از اين چالش‌ها درگير مي‌باشند كه رشد و تعميق اين رويكردها از يك طرف به شيوه برخورد و پاسخ هايي برمي‌گردد كه اين ابتكارات به اين تنگناها و ريسك ها پيدا كرده و در پيش مي گيرند و از طرف ديگر، با سياست ها و برنامه‌هاي كلان كشوري در حوزه اصلاح ساختارها و توسعه اجتماعي پيوند مي خورد كه نظام هاي برنامه‌ريزي و دولت ها مسئوليت اصلي آن را بر عهده دارند.

ارزيابي وضعيت سه ابتكار اجتماع‌مدار مورد بحث در اين مقاله از نظر برخورد و پاسخگويي به

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-02]

چالشهاي مورد اشاره خود نيازمند پژوهش و مقاله مستقلي است و در اينجا تنها به اين نكته بسنده ميكند كه موفقيت ابتكارات اجتماع محور در كاهش فقر، مستلزم تمركز بر سياستها و راهبردهاي حامي فقرا در سطح اقتصاد كلان، توجه به ابعاد اجتماعي ـ اقتصادي و نهادي فقرزدايي و پيشبرد سياستها و اصلاحات پشتيبان برنامه هاي كاهش فقر مي باشد. و نميتوان انتظار داشت كه توسعه، به توليد و توزيع فقر بپردازد و ابتكارات اجتماعمحور كه در اصل در سطوح خرد كارايي دارند، فقر فزاينده را كاهش دهند.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-02]

منابع
References

1. استوارت، فرانسس. **تعديل اقتصادي و فقر : گزينه‌ها و انتخاب ها.** مترجمان: علي ديني / سيامك استوار، مجموعه برنامه و توسعه 10، انتشارات سازمان برنامه و بودجه.
2. اوين الس. ام. ميلر و سيد عبدالصمد ، (1996). **چشم‌انداز جهاني فقر، كتاب راهنماي پژوهش‌هاي بين المللي فقر** . وزارت جهاد كشاورزي سلسله انتشارات روستا و توسعه، شماره 42 تهران چاپ اول .1381
3. برنامه عمران ملل متحد / سازمان مديريت و برنامه‌ريزي كشور / صندوق توسعه پايدار و خانواده، (1383). **گزارش پاياني پروژه كاهش فقر از طريق بسيج اجتماعي و اعطاي اعتبارات خرد**، تهران، زمستان .1383
4. جباري، حبيب ، (1383). **صندوق‌هاي اجتماعي به‌عنوان ابتكاري براي توسعه محلي** . مجموعه مقالات همايش علمي ـ كاربردي توسعه محله اي چشم انداز توسعه پايدار شهر تهران، تهران، دانشگاه تهران، اسفندماه 1383 (زيرچاپ)
5. سن، آمارتيا. (1381) **توسعه به مثابه آزادي.** ترجمه سيداحمد موثقي. تهران. دانشگاه تهران و سازمان ملل متحد.
6. وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشكي. **رويكرد نيازهاي اساسي توسعه در ايران، گزارش روند فعاليت‌هاي اجرايي BDN در استان‌هاي چهارمحال و بختياري، بوشهر، آذربايجان غربي** ، دبيرخانه كشوري BDN.

7. Abdullatif A. A, (1999). **"Basic development needs approach in the Eastern Mediterranean Region"**, Eastern Mediterranean Health Journal, Volume 5,

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-02]

Issue 1, 1999, Page 168-176

8. Batikin. A, (2001). Chapter 12. **"Social Funds: Project and Program Issues"** in Isabel Ortie (ed): 2001: Social Protection in Asia and The Pacific Asia Development Bank.
9. Carvalho Soniya, (July 1994). **"Social Funds Guidelines For Design and Implementation"**.
10. Cornia Giovanni Andrea, (2002): **"Social Funds in Stabilization and Adjustment Programmes: A Critique"**.
11. Cross A. and Samantha de Silva, (2002): **"Social Funds Support of Microfinance: A Review of Implementation Experience"**.
12. ESCAP, (March 2003). Poverty ALLEVIATION Initiative.
13. Jorg Freiberg – Strau'B and Kerstin Meyer, (1997). **"The Real World of Social Policy"**. 2nd GTZ- Conference on Social Policy: An Anthology of Project Experience June 1997.
14. OECD\ LEED, (1998). "Best Practices in Local Development".
15. Patrick Meagher, (October 2002), **"Microfinance Regulation in Developing Countries: A Comparative Review of Current Practice"**.
16. Piran. P, (2002a). **"ARapid Social Assessment & Poverty Mapping In IRAN",** World Bank LDF Project, December 2002.
17. Piran. P, (2002b). "**Poverty Alleviation in Sistan & Baluchestan: The Case of Shirabad, UNDP-Iran Technical Series3 Coppyright @ 2002 UNDP-Iran"**
18. Rawlings L.B and Etal, (2004). **"Evaluating Social Funds: A Cross Country Analysis of Community Investments"**, The World Bank Washington. D. C.
19. Reddy S, (1998). **"Social Funds in Developing Countries: Recent Experiences and Lessons"**, UNICEF NEW YORK, N. Y., USA.
20. Sabharwal, Sabharwal From the Margin to the Mainstream Micro-Finance Programmes and Women's Empowerment: The Bangladesh Experience Center for Development Studies UNIVERSITY OF WALES SWANSEA

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-02]

Gita Sabharwal Submitted in partial fulfillment of the requirements for the degree of MSc Econ in Development Management of the University of Wales

21. Sheikh M.R, (2000): **"Basic development needs approach in the Eastern Mediterranean Region: from theory to practice",** Eastern Mediterranean Health Journal Volume 6, Issue 4, July 2000, Page 766-774.
22. Side A review Sida's Experience in Microfinance. (October 2004), Larserik Birgegird.
23. Sida, (2002). **"perspective on poverty"**
24. Tendher Judith: Chapter 14 **"Why Are Social Funds So Popular?"**.
25. Technology Department of Urban Studies and Planning Massachusetts Institute of The World Bank, (2005). Project Appraisal Document on a Proposed Loan in the Amount of Us $75 Million to the Islamic Republic of Iran for the Local Development Fund Project April 5, 2005 Human Development Group Middle East and North Africa Region, The World Bank
26. World Health Organization The basic development needs initiative: integrared community development in action. Alexandria, World Health Organization Regional Office for the Eastern Mediterranean, 1998.
27. **www.emro.who.int/cbi/BDN-document.htm**

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-02]

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-02]